

متن پرسش

با سلام و خدا قوت: چند وقتی است سوالی ذهن مرا درگیر کرده. به عنوان يك دختر وقتی به جامعه خود نگاه می‌کنم، و سعی در بررسی حضور زنان کشورم در عرصه های اجتماعی و به خصوص سیاسی دارم (چه در سطح کلان کشور و چه در جوامع کوچک تر مانند دانشگاه) شاهد حضور و تاثیرگذاری اندک و شاید کم‌رنگی از آنان هستم. حس می‌کنم ذهن و فکر زنان کشورم آنچنان که باید، معطوف به این مسائل نیست و شاید حتی مجالی برای فکر کردن به این موارد را هم به خود نمی‌دهند و دغدغه ها و مسائل زندگیشان، پر است از آنچه نباید. اما مسئله ای که در اینجا بیشتر برایم مطرح است، علت وجود چنین واقعیتی است؟ آیا زنان در ذات خود پذیرای چنین مسائل و مباحثی نیستند یا شرایط تاریخی و ساختاری و عاملی بیرونی باعث به وجود آمدن چنین شرایطی شده؟ یا علت دیگری که از آن غافل هستم. ممنون میشم مرا راهنمایی کنید. التماس دعا

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: زنان در بعضی موارد نشان داده‌اند که توانایی‌های فوق‌العاده‌ی علمی و حتی سیاسی چشم‌گیری دارند، ولی با همان صفای عاطفی که در آن‌ها نهفته است. و شاید به جهت شأن آن‌ها در امور عاطفی است که نمی‌خواهند در امور اجتماعی و سیاسی مردانه وارد شوند، زیرا راه‌های بی‌سر و صدا برای نقش‌آفرینی می‌شناسند که خود را به آن امور مشغول می‌دارند. این جامعه است که باید به چنان بصیرتی برسد که متوجه نقش نرم زنان در امورات باشند و زنان نیز نباید با ملاک‌های ژورنالیستی و بر روی آنتن‌بودن خود را ارزیابی کنند. موفق باشید